

رزمندگان، الگوی فداکاری

تاریخ سه هزار ساله ایران زمین از حوادث گوناگونی تشکیل شده است که قسمت اعظم این حوادث را نبردهای نظامی شکل می‌دهد.



تاریخ سه هزار ساله ایران زمین از حوادث گوناگونی تشکیل شده است که قسمت اعظم این حوادث را نبردهای نظامی شکل می‌دهد.

یکی از طولانی‌ترین جنگ‌های این تاریخ پرفراز و نشیب، نبردی است که از آن به 8 سال دفاع مقدس یاد می‌شود. هر چند به ظاهر در یک سوی این نبرد کشور عراق قرار داشت ولی در حقیقت تمام توان شرق و غرب عالم در نوک پیکان حمله همسایه غربی جمع شده بود تا اثری از ایران اسلامی باقی نماند.

شهریور سال 1359؛ اوضاع نظامی ایران چندان مساعد نیست. سپاه پاسداران تازه تأسیس یافته و با تمام توان وجودش سرگرم برقراری امنیت داخلی و همراه با ارتش مشغول مبارزه با ضدانقلاب‌ها در استان‌های شمال غربی کشور است. تنها سازمان منسجمی که می‌تواند تا حدودی در مقابل تهاجم دشمن ایستادگی کند ارتش است که با فهرست بسیار طولانی از ضایعات و آسیب‌های اجتناب‌ناپذیر حوادث انقلاب روبه‌روست. در این وضعیت نه چندان بسامان نظامی، وضعیت سیاسی کشور نیز مطلوب نیست.

بنی صدر در مقام فرمانده کل قوا مسیر خاص خودش را طی می‌کند و اوضاع داخلی را به شدت متشنج کرده است. سرانجام در 31 شهریور 1359 با حمله سراسری هوایی و زمینی دشمن جنگ 8 ساله آغاز می‌شود.

در حالی بین هوشیاری و غافلگیری جنگ بر ایران تحمیل شد و واحدهای زرهی دشمن که از مدت‌ها قبل درگیری‌های پراکنده زمینی را شروع کرده بودند از خطوط مرزی گذشتند و وارد خاک جمهوری اسلامی شدند.

دشمن در همان روز اول جنگ فهمید که گام در ورطه هلاکت گذاشته است. نیروهای حمله‌کننده به هیچ وجه فکر نمی‌کردند که در گام اول اینچنین متوقف شوند. یگان‌های عمده مستقر در مرزهای منطقه جنوب، لشکر 92 زرهی اهواز و در غرب، لشکر 81 زرهی کرمانشاه با کمک یگان‌های مامور و سپاه پاسداران و بسیج و مردم مقاومت نابرابر خود را در مقابل عراق به‌گونه‌ای شکل دادند که در کمتر از یک هفته پس از شروع جنگ، نخستین اطلاعیه صدام برای آتش بس و درخواست‌های بین‌المللی برای توقف جنگ شنیده شد.

راستی چه اتفاقی افتاده بود که از طرف حمله‌کننده درخواست آتش بس می‌شد؟ آیا صدام حتی به یکی از اهداف ترسیم شده جنگ دست یافته بود؟! نیروهای عراق هنوز نتوانسته بودند به اروند نزدیک شوند و حداکثر پیش‌روی، در منطقه فکه تا کرخه بود که عمدتاً از سرزمینی عبور کرده بود که نمی‌توانست فایده سوق الجیشی خاصی داشته باشد. در تداوم نبردهای اولیه جنگ، نهایتاً پس از 34 روز، نیمی از خرمشهر در اختیار صدام قرار گرفت و عمده قوای دشمن در مواضعی نامناسب مجبور به اتخاذ خطوط پدافندی شدند. نقش نیروی زمینی ارتش و سپاه روی زمین و نیروی هوایی در فضای ایران و عراق و نیروی دریایی در خلیج فارس برای ناکام گذاشتن دشمن بسیار تعیین‌کننده بود؛ به‌طور مثال اگر در منطقه کرخه دشمن می‌توانست با عبور از کرخه، خود را به جاده اهواز- اندیمشک رسانده و خطوط پدافندی را در جنوب یا حتی شمال شهر اندیمشک تشکیل دهد، قاعدتاً ما باید برای رسیدن به کرخه ده‌ها عملیات انجام می‌دادیم و این مساوی بود با تحمیل هزینه‌های بسیار بالا و صرف زمان بیشتر اما رزمندگان نیروی زمینی ارتش نه تنها اجازه چنین فرصتی به دشمن ندادند بلکه حتی در غرب رودخانه کرخه جای پای مهمی را حفظ کردند که کمک بسیار زیادی برای انجام عملیات فتح‌المبین و راندن دشمن تا خطوط مرزی در فروردین سال 60 کرد. پس از تثبیت نیروها که با موفقیت کامل انجام شد، از همان روزهای اول، اندیشه طراحی عملیات علیه دشمن شکل گرفت. انجام 170 عملیات کوچک و بزرگ در سال اول جنگ که حدود 160 عملیات آن آفندی و حمله ما علیه دشمن بوده است، به‌نحوی نشان از اراده مستحکمی دارد که حضور دشمن را در خاک ایران تحمل نمی‌کند. سال اول جنگ سال موفقیت، پیروزی و تحمیل اراده ملی به دشمن بوده است؛ هر چند سرزمین‌های زیادی در این سال آزاد نشد ولی متوقف کردن دشمن در مواضع نامناسب پدافندی و بازداشتن او از رسیدن به اهدافی که برای خودش ترسیم کرده بود، بزرگ‌ترین موفقیت به شمار می‌رفت. ضمن اینکه همین اقدامات زمینه انجام عملیات‌های بزرگ سال دوم جنگ را فراهم کرد و در حقیقت بدون انجام اقدامات سال اول جنگ، قطعاً اقدامات سال دوم نیز قابل انجام نبود.

سال اول جنگ سال میدان‌داری هوانیروز در سقف پروازی کوتاه و یکه تازی نیروی هوایی ارتش در سقف پروازی بالا و عمق خاک دشمن و سیادت بی‌چون و چرای نیروی دریایی در آب‌های خلیج فارس و حاکمیت نیروی زمینی بر میدان جنگ بود. نیروی زمینی ارتش با پذیرش پدافند در 1300 کیلومتر خطوط مقدم نبرد، راه را برای هرگونه نفوذ مجدد دشمن بست و با آماده شدن یگان‌های

سپاه پاسداران و انجام عملیات ثامن‌الائمه، مقدمات بیرون راندن دشمن فراهم شد؛ به‌گونه‌ای که در کمتر از یک سال قسمت عمده سرزمین‌های اشغالی ایران آزاد شد و دشمن در خطوط مرزی استقرار یافت.

در تداوم نبرد و در مراحل ورود به خاک عراق برای تنبیه متجاوز و ایجاد شرایط مناسب برای مذاکرات احتمالی سیاسی، نیروی زمینی گسترده‌ترین حضور را از نظر زمانی و مکانی در دفاع مقدس داشت.